

## ملاکهای در پرداخت قیمت دیه

### مقدمه

در زمینه اجرای قانون دیات، قضات و خصوصاً دوایر اجرای احکام دادگاهها با مشکلات و ابهامات بسیاری مواجهند. یکی از این مشکلات به نحوه محاسبه دیه مربوط می‌شود و اینکه ملاک در پرداخت آن قیمت زمان صدور حکم است یا قیمت یوم‌الاداء؟ رفع این ابهام مستلزم بررسی تحولاتی است که در مورد تثبیت نرخ دیه، خصوصاً در سالیان اخیر، صورت گرفته است. به همین منظور در این مقوله مروری بر مواد قانونی، استفتائات فقهی، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه و بخشنامه‌های صادره از دستگاه قضایی خواهیم داشت.

### ■ قانون:

ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هریک از آنها مخیر می‌باشد<sup>۱</sup> و تلفیق آنها جایز نیست؛

---

۱- در این زمینه اشاره به گفتار یکی از فقهاء (اگرچه مرتبط با موضوع بحث نمی‌باشد) خالی از فایده نخواهد بود:

- ۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.
- ۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.
- ۳- یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند.
- ۴- دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن.
- ۵- یکهزار دینار مسکوک و غیرمغشوش که هر درینار يك مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است.

۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیرمغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می‌باشد.

تبصره - قیمت<sup>۱</sup> هریک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تعذر<sup>۲</sup> همه آنها پرداخت می‌شود.

«در آن زمان صد شتر یا دویست گاو و هزار گوسفند برابر بود. به نظر من یکی از مسایلی که در موارد دیات باید اصلاح شود، همین تخییر بین انواع دیات است. تخییر در زمانی که بین انواع، تفاوت قیمت باشد، معنا ندارد و نامعقول است...»

مسأله تخییر یا مقتضیات زمان سازگار نیست. چون در آن روزگار دیات ششگانه با هم برابر بودند، از طرف شارع حکم به تخییر داده شده است. ما هدف شارع را که اقامه قسط و عدل اسلامی است، باید در نظر بگیریم و نباید در اثر عدم توجه به اوضاع و احوال جامعه سر و صدا ایجاد کنیم... امروز باید دور تخییر خط کشیده شود، چون طبق عدالت نیست... (آیتا... مرعشی سیدمحمدحسن، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، انتشارات میزان، چاپ اول، زمستان ۷۳)

۱- در این خصوص آیتا... سیدمحمدحسن مرعشی از اعضاء شورای عالی قضایی سابق معتقد است: کلیه روایات وارده در باب دیات دلالت دارند که تعیین مقدار درهم، دینار، گاو، گوسفند براساس محاسبه با قیمت شتر بوده است و برای تسهیل امر بر جانی اجازه داده‌اند که جانی مالی را که در اختیار دارد یا در نظر گرفتن ارزش آن با شتر بهر دازد و چون در زمان ما بهترین راه برای پرداخت دیه پرداخت همان پولی است که مردم هر کشوری در اختیار دارند باید با تعیین قیمت یکصد شتر، دیه لازم را پرداخت نماید. به عبارت دیگر تعیین انواع دیات برای تسهیل امر بوده و همین تسهیل امر اقتضاء می‌کند که جانی پول رایج کشور خود را پرداخت کند، (نه درهم و دینار و حله، یا گاو و گوسفند) زیرا پرداخت خود آنها موجب عسر و حرج است و حتی خود شتر نیز لازم نیست پرداخت شود و جانی را نباید به پرداخت آن الزام کرد، چرا که شریعت مقدسه اسلام شریعتی است سهل و آسان و در احکام خود، مردم را به انجام گاری که موجب عسر و حرج باشد مکلف نمی‌نماید. همانطوری که در ابتدای امر مردی را که صاحب درهم و دینار بودند، برای تسهیل، به دادن درهم و دینار با حفظ تقویم آنها با قیمت شتر مکلف گردانید، در عصر کنونی ما که مردم کمتر گاو و گوسفند و شتر و درهم و دینار در اختیار دارند نیز باید مکلف به پرداخت همان مالی باشند، که در اختیارشان می‌باشد. بنابراین دادگاهها با پول رایج ایران که اسکناس است، باید دیه را تعیین فرمایند و همان تسهیلی را که در صدر اسلام، شارع مقدس اسلام در نظر گرفته بود، در نظر گیرند و نباید جانی را به درهم و دینار که در اختیار ندارند و هرگز نمی‌تواند آنرا پرداخت کند محکوم سازد. همچنین نسبت به شتر و گاو و گوسفند، بلکه قیمت شتر را که طبق روایات، اصل در پرداخت دیات بوده است، در نظر گیرند و با پول رایج، جانی را به آن محکوم سازند... (دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، ص ۱۸۶ و ۱۸۷).

۳- در قانون دیات سال ۶۱ قید «تعذر» در این تبصره آورده نشده بود؛ تبصره ماده ۲ قانون مرقوم مقرر داشته بود: «پرداخت قیمت هریک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین کافی است و اگر تلفیق به عنوان پرداخت قیمت یکی از امور ششگانه باشد، کافیست.»

ماده ۳۰۲ - مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به ترتیب زیر است:

- الف - دیه قتل عمد باید در ظرف يك سال پرداخت شود.
- ب - دیه قتل شبه عمد در ظرف دو سال پرداخت می‌شود.
- ج - دیه قتل خطای محض در ظرف سه سال پرداخت می‌شود.
- تبصره ۱ - تأخیر از این مهلتها بدون تراضی طرفین جایز نیست.

چنانکه ملاحظه می‌گردد در مواد فوق و در هیچ يك از مواد قانون مجازات اسلامی راجع به نحوه محاسبه قیمت دیه و اینکه می‌بایست مطابق با قیمت روز ادا یا زمان صدور حکم و یا زمان وقوع جنایت، پرداخت شود؟ مطلبی بیان نگردیده و همین امر مشکلات و ابهاماتی برای دوائر اجرای احکام پیش آورده است، مسلماً اشاره به نظریات شورای عالی قضایی سابق، نظریات اداره حقوقی، دیگر نظریات قضایی، استفتائات به عمل آمده از فقهاء و بخشنامه‌های صادره از قوه قضائیه در رفع ابهامات و مشکلات موجود مؤثر خواهد بود.

### ■ نظریات شورای عالی قضایی سابق:

نظریات شورای عالی قضایی سابق درخصوص موضوع مورد بحث را می‌توان درضمن پاسخ به پرسشهایی که از آن شورا به عمل آمده است تحصیل نمود:

- سؤال ۱ - «در حال حاضر عین دیه باید پرداخت شود یا قیمت آن و قیمت روز انواع ششگانه دیات به چه نحوی باید تعیین گردد و آیا حاکم می‌تواند به کمتر از دیه حکم صادر نماید.»

شورای عالی قضایی سابق در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۴ به پرسش بالا چنین پاسخ

داده است:<sup>۱</sup>

۱- پاسخ و سؤالات از کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی، جلد اول، ۱۳۶۲، ص ۳۶، مسئله ۴.

«در مورد دیات، اعیان دیات باید پرداخت شود و در صورت تعذر همه آنها قیمت یکی را جانی می‌پردازد یا عاقله و قیمت روز از بازار آزاد باید سؤال شود. حاکم کمتر از دیه را نمی‌تواند حکم کند مگر به ترازی طرفین»

- سؤال ۲ - در اجرای ماده ۳ قانون دیات (ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی) متهم بعضاً به استناد بند چهارم آن ماده جهت پرداخت حله‌ای یمنی را انتخاب می‌کند و مسلماً قادر به پرداخت عین حله‌ها نیست و از طرفی در ارجاع کارشناسی به سازمان بررسی قیمت‌ها مرجع مذکور اظهار بی‌اطلاعی از ارزش حله می‌نماید در چنین موارد تکلیف چیست؟

کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی سابق به این سؤال در تاریخ

۱۳۶۳/۳/۲۳ چنین پاسخ داده است:<sup>۱</sup>

«با توجه به ماده ۳ فوق‌الاشعار که دیه را منحصر در اعیان امور ششگانه قرار داده است که جانی فقط می‌تواند یکی از آنها را جهت پرداخت دیه انتخاب نماید و با عنایت به تبصره همان ماده که پرداخت قیمت یکی از امور ششگانه را موقوف به رضایت طرفین (جانی و اولیاءدم) دانسته است که نتیجتاً انتخاب قیمت از سوی جانی با فرض امکان پرداخت یکی از خود اعیان ششگانه بدون رضایت اولیاءدم ناصحیح می‌باشد. فلذا به نظر می‌رسد که در فرض سؤال در استعمال حاضر (که جانی جهت پرداخت دیه حله را انتخاب کرده در حالی که عین منتخبه که حله بوده از ابتدای زمان انتخاب متعذر یا متعذرالوصول بوده) جانی حق انتخاب حله‌های موصوف به صفت کذابی را نداشته بلکه باید یکی دیگر از اعیان بقیه امور را که تهیه آنها مقدور است انتخاب کند. بنابراین در فرض مسئله موضوع قیمت منتفی و احتیاج به استفسار قیمت حله از سازمان بررسی قیمت‌ها و همچنین نیاز به استرشاد از شورای عالی قضایی

۱- پاسخ و سؤالات از کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی، جلد دوم، ۱۳۶۳،

نمی‌باشد مضافاً به اینکه تعیین ارزش دیه (اعم از قیمت مقطعی و قیمت ثابت) در هیچ موردی وظیفه شورای عالی قضایی نمی‌باشد بلکه تعیین قیمت (اعم از ارزش بازاری و دولتی - و بین‌المللی) باید به وسیله اهل خبره و کارشناس انجام گیرد.»

- سؤال ۳- «مقدار ارزش دینار و اموال یاد شده در بند ۴ - ۵ - ۶ ماده ۳ (ماده

قانون مجازات اسلامی) قانون دیات را به ارزش پول رایج کشور تعیین نماید.»

پاسخ شورای عالی قضایی به سؤال فوق در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۲۳:

«در مورد پرونده‌های قتل دادگاه موظف نیست که قیمت دیه را تعیین نماید. بلکه وظیفه دادگاه این است بعد از بیان و تشریح لزوم یکی از امور ششگانه علی‌التخییر و پس از انتخاب جانی یا عاقله مختار ایشان را در حکم خود درج نماید و ضمناً قید نماید که در صورت تعسر یا تعذر عین مورد انتخاب باید مسئول پرداخت دیه قیمت سوقیه عین متعذرالوصول را که با نظر اهل خبره و کارشناس تعیین می‌گردد به محکوله پرداخت نماید.»

- سؤال ۴- «در مرحله اجرای احکام کیفری بعضاً مشاهده می‌شود که مدعی خصوصی قیمت دیه متعلقه را مطالبه نموده و محکوم‌علیه نیز بر مبنای تقاضای ایشان قیمت دیه را با استعلام از اهل خبره به اجرای احکام واریز می‌نماید لکن مدعی خصوصی مجدداً به خاطر مواجه ساختن محکوم‌علیه با مشکلات، از تصمیم قبلی عدول و مبادرت به مطالبه عین دیه می‌کند که نتیجتاً یک سلسله مشکلات در اجرای احکام به وجود می‌آورد آیا محکوم‌له می‌تواند گاه قیمت و گاه عین دیه مورد حکم را مطالبه نماید یا خیر؟ و ثانیاً در صورت پرداخت قیمت دیه علیرغم خواسته شاکی آیا می‌شود وثیقه مضبوط در پرونده را آزاد ساخت یا خیر؟»

پاسخ مورخه ۱۳۶۳/۱۲/۵ کمیسیون استفتائات شورای عالی قضایی:

«۱- در مورد سؤال اول به نظر می‌رسد که پس از واریز نمودن قیمت مورد قبول

شاکی با قیمت سوقیه دیه مورد حکم از طرف محکوم‌علیه در دنبال مطالبه قیمت و

اظهار رضایت بر آن، محکوم‌له مجدداً نمی‌تواند عین دیه را مطالبه نماید زیرا که ظاهراً این گونه عمل بین طرفین ممصالحه محسوب می‌شود که طرفین شرعاً ملزم به وفا و اجرای آن هستند.

۲- در مورد سؤال دوم به نظر می‌رسد که چنانچه پرداخت قیمت دیه بدون توافق و بدون قبول محکوم‌له بوده (کما اینکه از ظاهر سؤال چنین مستفاد می‌شود) در این صورت آزاد ساختن وثیقه مذکور مجوزی ندارد زیرا که در فرض مزبور هنوز مَنْ لَهُ الْحَقُّ به حق خود نرسیده است و محکوم‌علیه فقط می‌تواند قیمت واریز شده را پس بگیرد.»

### ■ نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه:

اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به سؤالاتی که راجع به موضوع بحث از آن اداره به عمل آمده است نظریاتی ارائه نموده که قابل توجه می‌باشد. ذیلأً به نظریات اداره مزبور اشاره می‌شود:

- سؤال ۱: «آیا جانی می‌تواند نوع دیه‌ای انتخاب کند که تهیه آن مقدور نیست و در صورت انتخاب چنین نوعی تکلیف چیست؟»

نظریه شماره ۴۱۳۹/۷/۱-۱۰/۱۳۶۴:

«اختیار جانی در انتخاب یکی از انواع دیات بدین معنی است که هر يك را که آسانتر می‌تواند تهیه کنند انتخاب نماید و نمی‌تواند چیزی را انتخاب کند که تهیه آن متعذر یا متعسر باشد، لذا چنانچه نوعی را انتخاب نماید که قادر بر تهیه آن نباشد باید الزام گردد به انتخاب نوع دیگری که قادر بر تهیه آن باشد و نمی‌توان اولیاءدم را مجبور به قبول قیمت آن نمود و اصولاً رجوع به قیمت در صورتی است که طرفین تراضی کرده باشند یا اینکه هیچک از انواع دیات در دسترس نباشد و در آن صورت هم باید قیمت روز (در صورت لزوم با جلب نظر کارشناس) تعیین و پرداخت شود.»

- سؤال ۲: «اگر شاکی با محکوم علیه در پرداخت قیمت درهم به نرخ روز تراضی نموده باشد. آیا افزایش یا کاهش نرخ درهم تأثیر در توافق آنها دارد؟»  
- نظریه شماره ۵۱۸۹/۷/۲۷-۱۳۷۳:

برابر تبصره ذیل ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی، قیمت هریک از انواع دیات ششگانه در صورت تراضی طرفین یا تعذر همه آنها پرداخت می شود، بنابراین چنانچه ولی دم و محکوم علیه در قیمت دیه تعیین شده «درهم» توافق کرده باشند. محکوم علیه مکلف به پرداخت مبلغی است که مورد تراضی و توافق قرار گرفته است. به عبارت دیگر با حصول توافق مسأله درهم و دینار منتفی است و افزایش یا کاهش بهای آنها، نمی تواند در توافق نامه معموله مؤثر باشد و با این ترتیب چنین ادعایی مسموع نیست.»  
- سؤال ۳: «محکوم علیه شتر را به عنوان دیه انتخاب و شاکی عین دیه را مطالبه و آقای دادیار اجرای احکام در تاریخ ۷/۹/۷۳ قیمت هر نفر شتر را سیصد و شصت و دو هزار و پانصد ریال (۳۶۲,۵۰۰) و در تاریخ ۹/۲۳/۱۳۷۳ قیمت مذکور را هفتصد هزار ریال (۷۰۰,۰۰۰) اعلام کرده است. شرکت بیمه که طبق بیمه نامه مسئول پرداخت دیه است، چگونه به وظیفه خود عمل کند؟

- نظریه شماره ۷۱۰۷/۷/۱۲-۱۳۷۳:

«تعیین قیمت شتر و دینار به نحوی که عنوان شده است صحیح نیست. زیرا جانی باید عین دیه را بپردازد نه قیمت آن را و پرداخت قیمت در صورتی جایز است که اولیاء دم (یا مجنی علیه) موافق باشند و یا هیچیک از اعیان دیات قابل تهیه نباشد. در صورت تراضی آنچه تراضی کرده اند پرداخت می شود لکن صورت دوم ظاهراً مصداق ندارد، زیرا در حال حاضر گوسفند و گاو و شتر قابل تهیه است. ضمناً شرکت بیمه در هر مورد باید طبق دستور مقام قضایی عمل کند مگر این که به نحو دیگری قرارداد کرده باشند.»

- سؤال ۴: «اگر قیمت دیه در محلهای مختلف متفاوت باشد، قیمت چه محلی باید ملاک محاسبه قرار گیرد؟»

- نظریه شماره ۵۶۸۱/۷ - ۱۳۸۳/۷/۲۱:

«در مواردی که وفق توافق طرفین یا طبق تصمیم دادگاه باید به جای عین، قیمت سوقیه روز پرداخت آن اداء شود، ملاک محاسبه، قیمت سوقیه روز پرداخت دیه در شهرستان محل پرداخت دیه است نه سایر نقاط مملکت.»

### ■ نظریه قضات دادگاههای کیفری (سابق) تهران:

قضات دادگاههای کیفری (سابق) تهران در جلسات مشورتی خود راجع به نحوه انتخاب نوع دیه و قیمت آن با توجه به تبصره ذیل ماده ۲۹۷ که مرقوم داشته است: «قیمت هریک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تعدّر همه آنها پرداخت می شود.» بحث و گفتگو نموده اند که در دو جلسه آیت ا... مقتدایی ریاست وقت دیوان عالی کشور نیز حضور داشته است. حاصل بحث اگر چه با موضوع مقاله چندان مرتبط نیست، به لحاظ اهمیت آن و اینکه یک نوع تفسیر قضایی از تبصره ماده مذکور می باشد، ذیلاً آورده می شود:

مسئله: «با توجه به تبصره ذیل ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ نحوه تعیین دیه و تقویم آن چگونه می باشد.»

در پاسخ دو نظریه اعلام شده است:

۱- «آنچه مسلم است از شقوق ششگانه دیه که در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی آمده است سه نوع از آنها یعنی حله و دینار و درهم مسکوک رایج، امروزه وجود ندارند و هرگاه هم به صورت نادر در بازار یافت شوند جنبه عتیقه و هنری دارند، و استفاده از آنها در میان مردم به عنوان لباس، یا پول رایج کشور، معمول نیست. ولی سه نوع دیگر آنها یعنی شتر و گاو و گوسفند یافت می شوند بنابراین محکوم علیه مکلف است به هنگام اجرای حکم دیه یکی از انواع سه گانه را که یافت می شوند انتخاب و در حق محکومله تأدیه نماید و نمی تواند به بهانه اینکه نوع انتخابی او (مثلاً درهم که متهم

به هنگام محاکمه انتخاب نموده است) یافت نمی‌شود قیمت آن را (درهم را) بپردازد، زیرا طبق حکم تبصره فوق‌الاشعار وقتی نوبت به قیمت می‌رسد که دسترس به همه انواع ششگانه دیه متعذر باشد.»

۲- «منظور از تعذر که در تبصره مورد بحث آمده است تعذر عرفی است نه تعذر حقیقی، به این معنی که عرفاً فراهم کردن آن سخت بوده و رد و بدل کردن آن به سهولت امکان‌پذیر نباشد و در بین مردم متداول و رایج نباشد بدیهی است همان‌گونه که انواع سه‌گانه (حله و دینار و درهم) بین مردم رواج ندارد و تهیه آن به سهولت امکان‌پذیر نیست به همین ترتیب تهیه یکصد شتر و یا دویست گاو و یا یک هزار گوسفند هم در عرف زندگی امروزه حقاً تکلیف طاقت‌فرسا است و امروزه به لحاظ رواج ریال دولت جمهوری اسلامی ایران در معاملات و داد و ستدها عامه مردم حوائج زندگی خود را با پرداخت ریال به دست می‌آورند و نیز دیون خود را با تحویل ریال ادا می‌کنند و با توجه به آیه شریفه «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْساً أَلَا وَسْعَهَا» و اینکه دین مبین اسلام شریعت سهله و سمحه است منطقاً بایستی قبول کرد که در زندگی امروزه همه اعیان ششگانه دیه متعذر است بنابراین طبق حکم تبصره مذکور با تعذر همه انواع دیه قیمت آنها مطرح می‌شود و در این صورت طبق مسئله ۹ ص ۵۵۶ جلد دوم تحریرالوسیله جانی مخیر است که از میان قیمت‌ها یکی را انتخاب کند و دیه را ادا نماید. مضافاً اینکه محدود کردن جانی بر اینکه فقط از بین اغنام ثلاثه یکی را انتخاب کند خلاف شرع و قانون است، زیرا طبق قانون نامبرده حق انتخاب از بین انواع ششگانه را که هرکدام از آنها اصل است دارد. از طرفی وقتی که متهم در حین محاکمه نوع معین را از انواع ششگانه انتخاب کرد و ادا ساختن او به هنگام اجرای حکم بر اینکه نوع دیگری را فقط از میان انواع سه‌گانه (اغنام ثلاثه) انتخاب نماید خلاف رأی وحدت رویه شماره ۵۲۳ - ۶۷/۱۲/۲۳ دیوان عالی کشور است زیرا طبق رأی مذکور تغییر نوع دیه مجوزی

ندارد. بنا به مراتب جانی مخیر است قیمت درهم را انتخاب نماید و دادگاه و یا اجرای احکام حق ندارد او را وادار به عدول از قیمت انتخابی کند.<sup>۱</sup>

### ■ نظریات فقهی:

راجع به ملاك تعیین زمان نرخ ديه، استفتائاتی از فقهاء و علما دینی به عمل آمده است که از جمله می‌توان به پاسخ تنی چند از فقهاء به استفتاء ذیل اشاره نمود:

سؤال — «گرچه فتوای مشهور فقهای بزرگوار (رض) این است که ديه را باید يوم الاداء پرداخت نمود و قیمت ديه را يوم الاداء محاسبه می‌نمایند لیکن اخیراً و مستند به نظریه بعضی از اساتید و بزرگان عصر شاید به دلیل برقراری يك رویه و نظم خاص در پرداخت ديه قیمت آن را بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم محاسبه می‌کنند حال سؤال این است نظر مبارك حضرتعالی در پرداخت ديه يوم الاداء است یا روز صدور حکم و یا روز وقوع حادثه؟

— آیات عظام زنجانی، بهجت، سیستانی، اردبیلی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، شاهرودی، فاضل، مدنی تبریزی، صانعی، جواد آقائبریزی و صافی گلپایگانی به این استفتاء به شرح ذیل پاسخ فرموده‌اند:<sup>۲</sup>

— آیت‌الله زنجانی: «به نظر این جانب قیمت يوم الاداء باید حساب شود.»

— آیت‌الله بهجت: «میزان قیمت يوم الاداء است.»

— آیت‌الله سیستانی: «آنچه واجب است پرداخت عین ديه است از اصناف ششگانه یا پنجگانه و اگر بر قیمت توافق کنند مناط مابه‌المصالحه خواهد بود.»

— آیت‌الله اردبیلی: «در پرداخت ديه باید قیمت زمان صدور حکم را در نظر گرفت.»

— آیت‌الله مکارم شیرازی: «اگر ديه تبدیل به قیمت شود باید مطابق قیمت يوم الاداء

باشد مگر اینکه طرفین توافق به غیر آن نمایند.»

۱- تحلیل قضایی از قوانین جزایی - محمدپور اسکندر، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، اسفند ماه ۱۳۷۱.

۲- مجله حقوقی دادگستری، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۷۷، ص ۸۶ و ۸۵ و ۸۴.

— آیت الله نوری همدانی: «یوم الاداء میزان است.»

— آیت الله شاهرودی: «اظهر قیمت یوم الاداء است.»

— آیت الله فاضل: «اگرچه مقتضای قاعده قیمت یوم الاداء است لکن به جهات خاصی از جمله عدم ترافع مجدد مانعی ندارد که قیمت یوم صدور حکم را ملاک قرار دهید البته این مطلب در صورتی است که بین جانی و مجنی علیه تراضی بر قیمت واقع شده است و الا باید یکی از اعیان سته داده شود.»

— آیت الله مدنی تبریزی: «حکم اول در قتل شبیه به عمد و خطای محض و در صورت تراضی بر ادای دیه در قتل عمدی یکی از اقسام سته است و در صورت رضایت جانی و ولی مقتول بر ادای قیمت یکی از اقسام سته به نظر حقیر باید قیمت یوم الاداء محاسبه گردد.»

— آیت الله صانعی: «به نظر می رسد که اعیان سته که در اخبار و روایات دیه آمده موضوعیت نداشته باشد. به این معنی که جانی اگر بخواهد قیمت بپردازد طرف ملزم به قبول است لکن موضوعیت در مقدار دارد بنسب علی هذا باید قیمت یوم الاداء بپردازد لکن چون زمان قطعیت حکم و صدور آن زمان اداء و پرداخت محسوب می شود و لذا تخلف جانی از ادای بعد از آن خلاف و معصیت است پس تقویم و محاسبه در آن زمان در حقیقت برمی گردد ب محاسبه زمان الاداء و جایز است لکن این راه نسبت به دیه قتل عمد در جایی که دیه قانونی است مثل قتل الوالد ولده و یا نسبت به آنچه را در سال اول که بعد از حکم باید بپردازد در شبه عمد و یا خطاء روشن و بدون اشکال است اما نسبت به سال بعد که الآن قیمت تقویم می شود ممکن است محل اشکال از جهت لزوم یوم الاداء باشد اما چون ظاهراً دیه بعد از حکم دین است که به ذمه جانی قرار گرفته و امور سته هم به عنوان حد و مقدار است. لذا تعیین قیمت در همان زمانی که به ذمه اش قرار می گیرد یعنی یوم الحکم مانعی ندارد.

— آیت الله جوادی آقا تبریزی: «جانی باید یکی از اجناس ششگانه دیه را بپردازد و

دادن قیمت یکی از اجناس منوط به تراضی طرفین است و چنانچه تراضی انصراف به قیمت روز معینی نداشته باشد باید مقدار آن هم تعیین گردد و اگر انصراف داشته باید به همان که انصراف دارد عمل شود.»

— آیت الله صافی گلپایگانی: «در فرض سؤال، به نظر این جانب، قیمت دیه را مطابق قول مشهور باید یوم‌الاداء محاسبه نمود و وجه وجیهی برای محاسبه آن بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم یا روز وقوع حادثه به نظر نمی‌رسد و وحدت رویه که در مواردی مطرح می‌نمایند و قاضی را محتوم به رعایت آن می‌کنند موجب اشکالات متعدد است و در خصوص این مورد جانی یوم‌الحادثه اشتغال ذمه بر دیه پیدا می‌کند و اگر در یوم‌الحادثه ادای تمام اشیای معین شده برای دیه متعذر باشد در این صورت ممکن است گفته شود مخیر بین ادای قیمت یوم‌الحادثه آنچه از دیه حتمی است و ادای قیمت یوم‌الاداء مثال آنچه مثلی است می‌باشد.»

چنانکه ملاحظه می‌شود بعضی از فقهاء ملاک در تعیین زمان نرخ دیه را «یوم‌الاداء» دانسته و عده‌ای دیگر قیمت زمان صدور حکم را ملاک می‌دانند و دسته‌ای نیز حسب مورد قائل به تفصیل شده‌اند. البته رویه معمول محاکم و دوائر اجرای احکام از ابتدای تصویب قانون دیات به استناد بخشنامه‌های صادره از شورای عالی قضایی سابق و دستورالعملهای ریاست قوه قضائیه در ادوار بعد، ملاک قراردادن قیمت زمان صدور حکم بوده و هست. در این زمینه می‌توان به بخشنامه شماره ۷/۲۰۶۹ - ۶۲/۶/۳۰ شورای عالی قضایی سابق اشاره کرد،<sup>۱</sup> در بند ۵ این بخشنامه آمده است: «تقویم (دیه) به دستور دادگاه و طبق نظر کارشناس تعیین خواهد شد و قیمت زمان صدور حکم، ملاک خواهد بود»، با وجود این قیمت واحدی برای هریک از اعیان ششگانه در سراسر کشور وجود نداشت و این امر مشکلاتی را برای دوائر اجرای احکام و طرفین پرونده ایجاد کرده بود، به منظور اتخاذ رویه واحد در سراسر کشور در

۱- مدنی عارفه، اجرای احکام جزایی، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، زمستان ۷۴، ص ۸۰.

سال ۱۳۷۳ نامه‌ای از رئیس قوه قضائیه به عنون وزیر دادگستری که مبتنی بر نظر فقهی مقام معظم رهبری بود به شرح زیر صادر گردید:

«با اطلاع از نظر فقهی اخیر مقام منیع ولایت و رهبری حضرت آیه الله خامنه‌ای «مدظله العالی» در مسئله دیه مبنی بر اینکه: درهم و دینار در جمع اعیان ششگانه به عنوان پول رایج زمان می‌باشد و در حقیقت جانی در انتخاب احد از اعیان چهارگانه یا قیمت سوقیه رائج مخیر است.»

مراتب جهت تعیین تکلیف با توجه به حاکمیت ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل آن و رفع مشکل نسبی معضل مردم و قوه قضائیه طی شماره م/۱۹۴۶۷-۱/۸/۱۰/۷۳ از محضر مبارک استفتاء و در پاسخ فرموده‌اند:

«بسمه تعالی»

با سلام و تحیت به همان نحو که مرقوم فرموده‌اید صحیح است و به نظر می‌رسد ادای قیمت کنونی اجناس، امروزه کافی است ولی به خاطر تردیدی که در باب کُله موضوعاً و حکماً هست لازم است این جنس از محدوده محاسبه خارج باشد»

علیهذا با ارسال فتوای صادره لازم است به منظور حصول اطمینان در مورد نرخ اعیان انتخابی و فراهم شدن زمینه و امکان اعلام نرخ واحد و پرهیز از اختلاف فاحش قیم توسط محاکم مختلف برای تشکیل يك هیئت کارشناسی مرکب از سه نفر امین خبره اقدام فرمائید تا هر شش ماه يك بار درخصوص قیمت اعیان موجود با لحاظ این نکته که انتخاب افراد نوع نیز با جانی می‌باشد و نتیجتاً می‌تواند ارزانترین را با لحاظ حفظ صدق عرفی انتخاب کند. اعلام نظر نموده و نظر اکثریت به صورت بخشنامه برای استفاده در مواردی که توافق اصحاب دعوی مقدور نیست به استحضار مراجع قضایی سراسر کشور برسد.»

وزیر دادگستری نیز طی صدور بخشنامه شماره ۱۵/۱۱ مراتب را به شرح زیر

به رؤسای کل دادگستریهای سراسر کشور اعلام نمود:

«سلام علیکم، در اجرای دستور شماره ۴/۲۴۲۶۳/۱ مورخه ۲۷/۱۱/۷۳ ریاست قوه قضائیه در خصوص تعیین قیمت سوقیه اعیان احشام، موضوع احکام دیات و ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی، و با توجه به فتاوی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله العالی، با نظر هیأت کارشناسی از افراد خبره، ارزش اعیانی احشام برای شش ماه اول سال ۷۴ (۱/۱/۷۴ لغایت ۶/۶/۷۴) به شرح ذیل تعیین می‌شود. دستور فرمایید کلیه واحدهای قضاییه آن استان در صورت عدم توافق اصحاب دعوا رعایت نمایند.

الف - ارزش ریالی دیه کامل براساس شتر ۳۶,۲۵۰,۰۰۰ ریال.

ب - ارزش ریالی دیه کامل براساس گاو ۶۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال.

ج - ارزش ریالی دیه کامل براساس گوسفند ۹۲,۲۵۰,۰۰۰ ریال.

صدور این بخشنامه موجب بروز مشکلاتی برای دوائر اجرای احکام شد و دوائر مزبور در تسری مفاد این بخشنامه نسبت به احکام قطعیت یافته محاکم مردد بودند، به‌منظور رفع شبهه بخشنامه شماره ۳/۷۸۰۱۳/۱ - ۷۴/۵/۱۰ از طرف معاونت اجرایی قوه قضائیه خطاب به مراجع قضایی سراسر کشور زیر صادر گردید:

«در سیزدهمین جلسه قضایی کشور که در تاریخ ۷۴/۵/۲ به ریاست حضرت آیت‌الله یزدی ریاست محترم قوه قضائیه تشکیل شد، مقرر گردید (با یادآوری اقدامات انجام شده با استفاده از منابع فقهی و قانونی درخصوص تعیین و تثبیت نرخ دیه) به کلیه واحدهای قضایی سراسر کشور اعلام شود بخشنامه اصداری از روز صدور مورخه ۷۴/۱/۱ لازم‌الرعايه بوده است و آراء صادره قطعیت یافته قبل از این تاریخ (اعم از اجراء شده یا در حال اجراء) از شمول خارج بوده و این بخشنامه به هیچ وجه موجب تجدیدنظرخواهی از آراء قطعی یا امکان اصدار رأی اصلاحی از ناحیه محاکم نمی‌باشد...»

بعد از سال ۷۴ نیز راجع به اعتبار یا عدم اعتبار بخشنامه فوق‌الذکر در بین مراجع

ذیربط تردید وجود داشت به طوری که ریاست وقت سازمان زندانها طی نامه شماره ۱۵۵/۲۱۶۷۷/۱ مورخ ۱/۲۳/۷۶ به عنوان ریاست قوه قضائیه چنین مرقوم داشته است:

«احتراماً به استحضار می‌رساند:

عده قابل توجهی زندانی در زندانهای کشور هستند که قبل از سال ۷۴ محکوم به پرداخت دیه شده و به علت عجز از پرداخت در حبس مانده‌اند و هم‌اکنون به علت افزایش نرخ دیه بعد از سال ۷۴ نیز امکان آزادی برای نامبردگان غیرممکن شده است. در صورتی که نظر معظم‌له درخصوص اجرای بخشنامه شماره ۱۳/۷۸۰/۱ مورخه ۱۰/۵/۷۴ (شماره بخشنامه اشتباهاً ۱۳/۷۸۱۳/۱ قید شده است) مستدام باشد ستاد امور دیه زندانها آمادگی دارد به متهمانی که قسمتی از دیه را تهیه نموده‌اند از طریق وام دیه کمک و مساعدت نموده تا امکان آزادیشان فراهم گردد. لذا خواهشمند است در صورت نظر مساعد بر اجرای قانون زمان صدور حکم (پرداخت دیه به نرخ قبل از سال ۷۴) اوامر لازمه را ابلاغ فرموده تا با تقدیم لیست اسامی این قبیل افراد و مدارک مربوطه اقدامات اجرایی معمول گردد.»

پاسخ ریاست قوه قضائیه ضمن نامه شماره ۱۴۸۵/۱۴۶/۱ - ۱۶/۲/۷۶ معاونت اجرائی قو به شرح زیر می‌باشد:

«... باسمه تعالی دیه براساس همان قیمت زمان صدور حکم است که بر نامه طرف استقرار یافته و رشد قیمت بعدی روی بدهی او اثری ندارد و بخشنامه به قوت خود باقی است اقدام شود.»

در فروردین سال جاری (۷۷) استفتایی از محضر مقام معظم رهبری به عمل آمد که متن استفتاء و پاسخ رهبر معظم انقلاب در ذیل آمده است:

سؤال: «در صورتی که در قتل غیر عمدی ناشی از تصادف رانندگی به علت اعسار قاتل به موجب حکم دادگاه مقرر گردد که دیه از بیت‌المال پرداخت شود و دیه نیز از

نوع درهم باشد و تاریخ حکم محکومیت قاتل ۱۳۷۳/۱۱/۱۲ و تاریخ صدور حکم اعسار و اثبات دیه از بیت‌المال ۱۳۷۴/۱۱/۱۹ باشد با توجه به ارزش ریالی دیه ملاک پرداخت دیه از بیت‌المال تاریخ محکومیت قاتل است یا تاریخ صدور حکم اعسار و آیا می‌توان کمتر از ارزش عرفی درهم به اولیاءدم از بیت‌المال پرداخت نمود...»

- پاسخ مقام معظم رهبری:

«در پرداخت دیه میزان قیمت یوم‌الاداء است و فرقی بین موارد آن نیست و بیت‌المال خصوصیتی ندارد.»

پس از پاسخ مقام معظم رهبری، ریاست قوه قضائیه طی نامه شماره ۷۷/۵۱۰۵ و با شرحی مبسوط به تاریخ ۷۷/۵/۲۱ از معظم‌له کسب تکلیف نمودند، نظر به اینکه نامه مزبور حاوی نکات آموزنده‌ای است ذیلاً آورده می‌شود.

«محضر مبارک رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله‌الوارف)

خاطر مبارک مستحضر است که یکی از مشکلات پیچیده دستگاه قضایی که تقریباً اکثر محاکم در سراسر کشور با آن درگیر بودند و ما از راههای مختلف برای حل آن رفتیم و نتوانستیم به حل قابل قبولی برسیم مسأله دیه و نظر مشهور فقهاء عظام بود که جانی را مخیر بین پرداخت یکی از شش چیز می‌دانستند: احشام، ثلاثه و نقدین و حوله و بخصوص که نقدین را قسیم می‌دانستند و مسکوک به سکه رائج و رواج معاملی که این قیود سبب شده بود در فراهم کردن عین درهم و دینار با این قیود همیشه با مشکل روبرو شوند و در موارد زیادی کار به لجبازی بین جانی و اولیاءدم می‌کشید و تبدیل به قیمت هم جز با تراضی طرفین امکان نداشت بیشتر محاکم در بیشتر شهرها با این مشکل روبرو بودند و برای حل آن همواره با ما مکاتبه می‌شد که خود پرونده قطوری دارد.

تا زمانی که اطلاع پیدا کردیم نظر مبارک حضرت‌عالی براین است که نقدین قیمت

زمان احشام ثلاثه بوده و مستقل و قسیم نیستند. با خُرسندی استفتاء کردیم و با جواب آن که يك نسخه هم ضمیمه است<sup>۱</sup> بحمدالله تمامی مشکلات اجرایی حل گردید زیرا جانی از اول مخیر می‌شد در پرداخت یکی از سه قسم احشام یا قیمت آنها که معمولاً ارزانترین یعنی شتر را انتخاب و پرداخت می‌کردند و تمامی قضات در این زمینه خوشحال و دعاگو شدند، که هم جهت شرعی به خوبی رعایت می‌شود و هم مشکل اجرایی نیست و براین اساس مدیریت به کمک وزارت برای ایجاد وحدت رویه و پیشگیری از هرج و مرج قیمت کارشناسی شده احشام را از متخصصین می‌گرفت و توسط وزیر محترم هر شش ماه يك بار و بعد در سال يك نوبت اعلام می‌کرد و قضات در سراسر کشور و دوائر اجرای احکام راحت بودند. اخیراً یکی از... از حضرتعالی استفتاء نموده است... و جواب داده شده که نسخه آن ضمیمه است و ممکن است منظور مواردی باشد که پرداخت‌کننده یکی از نقدین را انتخاب کرده باشد و قیمت زمان انتخاب با زمان اداء متفاوت باشد که طبعاً جواب صحیح است و ملاک در قیمت زمان اداء است چون عین یکی از نقدین یا حتی یکی از سه قسم احشام در نظر گرفته شده و به هنگام اداء ممکن است قیمت رشد کرده باشد اما اگر جواب مطلق و کلی باشد که شامل موارد پس از پاسخ استفتاء ما شود و درحقیقت پاسخ دوم پاسخ اول باشد باز ما باید به يك هرج و مرج و مشکل بسیار بزرگی برگردیم بخصوص در مواردی که دولت و حکومت باید دیه بپردازد مثل مواردی که تنها جسد یافت شده و قاتل مشخص نیست و یا جانی معسر است... غرض از تصدیق این مقدمات طولانی آن است که اگر نظر مبارك در اصل مسأله پرداخت دیه همان پاسخی است که برای ما مرقوم فرموده‌اید که جانی و پرداخت‌کننده از اول مخیر بین انتخاب یکی از موارد سه‌گانه احشام یا قیمت آنها است و این نظریه تغییر نکرده است دستگاه قضائی کشور

۱- به جواب استفتاء در بخشنامه شماره ۳/۲۳۲۶۳-۱/۲۷/۱۱/۷۲ که به آن اشاره شده آورده

می‌تواند براساس آن و بخشنامه‌هایی که به استناد این فتوی تنظیم و ابلاغ شده عمل کند و دعاگوی آن حضرت باشد و جواب استفتاء... حمل بر مورد خاص بشود. اما اگر فتوای اول تغییر کرده باشد... هر روز در هر مورد به هنگام پرداخت باید قیمت محل گرفته شود و اختلاف قیمت روزانه و اختلاف شهرها و بخشها و کشمکشهای بین پرداخت‌کننده دیه و دریافت‌کننده يك داستان غم‌انگیز دیگری را در کشور فراهم می‌کند و به خصوص برای پرداختهای دولتی هم مشکل پیچیده‌تر فراهم خواهد کرد. امید است دستگاه قضائی کشور را راهنمایی فرموده تکلیف شرعی قضاات و دوائر اجرای احکام را تعیین فرمائید.»

پاسخ مقام معظم رهبری که توسط دفتر معظم‌له اعلام شده چنین است:  
 «به جناب آقای یزدی بگویید: نظر من، همان مطلبی است که در پاسخ به نامه جنابعالی نوشته‌ام»<sup>۱</sup>

ریاست قوه قضائیه پس از دریافت پاسخ مقام معظم رهبری دستور می‌دهند<sup>۲</sup> که:  
 «نظر مبارك مقام معظم رهبری به وزیر محترم دادگستری اعلام و همچنین به محاکم... ارسال شود و به طور کلی روش قبلی<sup>۳</sup> لازم‌العمل است.»

### ■ نتیجه:

همان‌طور که گفته شد، از زمان تصویب قانون دیات (سال ۶۱) و لازم‌الاجرا شدن آن، با توجه به نظریات شورای عالی قضایی (سابق)، در پرداخت قیمت دیه، ملاک قیمت زمان صدور حکم بود و پس از اصلاحات انجام شده در قانون اساسی و تمرکز مدیریت در قوه قضائیه و همچنین تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۷۲ همچنان

۱- منظور پاسخی است که ضمن بخشنامه شماره م/۱/۲۳۲۶-۱/۲۷/۱۱/۷۳ آمده است.

۲- دستور ریاست قوه قضائیه در نامه شماره ۷۱۸۳/۷۷/۱-۷۷/۷/۴ معاونت اجرایی قوه به عنوان وزیر دادگستری آمده است.

۳- منظور ملاک قرار دادن قیمت زمان صدور حکم است.

ملاك در پرداخت قیمت دیات، قیمت زمان صدور حکم می‌باشد، صدور بخشنامه‌های مختلف از طرف رئیس قوه قضائیه و وزیر دادگستری مؤید این مطلب است. لیکن بیشتر فقها خصوصاً فقهای معاصر ملاک را قیمت یوم‌الاداء می‌دانند و مقنن در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی با ذکر دیات ششگانه، بنا را بر پرداخت یکی از اصول مزبور نهاده و از مفهوم ماده مرقوم چنین مستفاد می‌شود که اصل در پرداخت دیات، پرداخت یکی از اصول ششگانه مذکور در ماده می‌باشد و استثناء در پرداخت ضمن تبصره این ماده آورده شده است. تبصره ماده ۲۹۷ مقرر داشته است: «قیمت هریک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تعذر همه آنها پرداخت می‌شود.»

به استناد این تبصره در دو وضعیت نوبت به پرداخت قیمت می‌رسد:

۱- وقتی طرفین تراضی به پرداخت قیمت یکی از اصول ششگانه نمایند؛ چون انتخاب نوع دیه به عهده جانی است، چنانچه نامبرده مایل به پرداخت قیمت یکی از انواع دیات مذکور در ماده ۲۹۷ باشد و ولی دم نیز به دریافت و اخذ قیمت رضایت دهد، قیمت احد از انواع ششگانه تقویم و پرداخت می‌گردد. سؤالی که مطرح می‌شود این است که در اینجا ملاک تقویم قیمت دیه چیست؟ آیا براساس قیمت زمان صدور حکم یا روز پرداخت (یوم‌الاداء) می‌بایست محاسبه نمود و یا بنابر توافق و تراضی طرفین می‌توان هر قیمتی را در نظر گرفت. بدیهی است در صورتی که راجع به میزان قیمت نیز طرفین به توافق برسند بحث چگونگی محاسبه قیمت براساس زمان صدور حکم یا یوم‌الاداء منتفی است و طرفین به هر مقدار که توافق کرده باشند پرداخت همان مقدار کفایت می‌کند و اما اگر ولی دم و قاتل (جانی) صرفاً به پرداخت قیمت یکی از انواع دیات مذکور در ماده ۲۹۷ تراضی کرده و در مورد مقدار و میزان آن توافق نداشته باشند، قانونگذار ملاک خاصی را پیش‌بینی نکرده است و محاکم و دوائر اجرای احکام به استناد بخشنامه‌های صادره ملاک را قیمت زمان صدور حکم دانسته و پس از تقویم به همان میزان از طرف جانی پرداخت می‌گردد، در حالی که بیشتر فقهاء ملاک را قیمت

یوم‌الاداء می‌دانند. مع‌الوصف چون فقهاء درخصوص ملاک پرداخت قیمت دیه وحدت و اتفاق نظر نداشته و بخشنامه‌های صادره از مسئولین قضایی نیز نمی‌تواند اعتبار و قدرت قانون را داشته باشد، دادگستریهای معمولاً به لحاظ فقد قانون، ناگزیر به اجرای بخشنامه‌های صادره بوده و بعضاً نیز با تردید به آنها عمل می‌کنند.

۲- استثناء دومی که براصل مذکور در ماده ۲۹۷ (انتخاب یکی از اعیان ششگانه) وارد شده است «تعذر همه اصول مزبور می‌باشد» که در این حالت قیمت یکی از آنها پرداخت می‌شود، چنانکه گفته شد در اینجا منظور تعذر عرفی است، یعنی چنانچه جانی عرفاً نتواند هیچ يك از اصول موصوف را تهیه کند، می‌بایست قیمت احد از آنها را پرداخت نماید. در بحث پرداخت قیمت، مطالب مذکور در بند ۱ مطرح است که از تکرار آنها خودداری می‌شود تا قبل از سال ۱۳۷۴ و صدور بخشنامه از قوه قضائیه که مبتنی بر نظریه فقهی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بود، در انتخاب یکی از انواع دیه، به لحاظ اینکه درهم از ارزش کمتری نسبت به سایر انواع دیات، برخوردار بود، جانی آن را انتخاب می‌نمود و در مرحله اجرا چون غالباً تهیه درهم مشکل بود و بعضاً اولیاء دم عین درهم را مطالبه می‌کردند و در صورت تراضی هم قیمت واحدی در سراسر کشور مشخص نبود، دوایر اجرای احکام با مشکل مواجه بودند. بعد از آن به استناد نظریه رهبر معظم انقلاب بدین مضمون نقدین (درهم و دینار) قیمت زمان احشام ثلاثه (گاو، گوسفند و شتر) بوده و حله نیز به خاطر تردیدی که موضوعاً و حکماً در باب آن وجود دارد از محدوده محاسبه خارج است و جانی از ابتداء مخیر است در پرداخت یکی از سه قسم احشام یا قیمت آنها. درهم و دینار و حله از زمره اعیان ششگانه خارج شده و انواع دیات تنها در سه قسم (احشام ثلاثه) یا قیمت آنها خلاصه گردید. براساس این نظریه، وزارت دادگستری به منظور تعیین و تثبیت نرخ دیه با استفاده از نظر هیأت کارشناسان قیمت سوقیه احشام را ابتدا هر شش ماه يك بار و بعد هر يك سال يك بار تعیین و مراتب را به صورت بخشنامه به دادگستریهای سراسر کشور ابلاغ نمود. حال

که جانی از اول در انتخاب یکی از احشام ثلاثه یا قیمت آنها اختیار دارد، چنانچه عین یکی از احشام را (فرضاً شتر) انتخاب کند و در موقع اجراء حکم بخواهد قیمت را بپردازد، همان‌طور که در نامه ریاست قوه قضائیه به عنوان رهبر معظم انقلاب به آن اشاره شده است. می‌بایست قیمت روز پرداخت (یوم‌الاداء) را بپردازد و بر این مبنا می‌تواند نظریه آن دسته از فقهاء را که ملاک، قیمت یوم‌الاداء می‌دانند، حمل براین مورد خاص نمود. نکته دیگری که در خاتمه یادآوری آن لازم است این است. که ملاک قرار دادن قیمت زمان صدور حکم، که در بخشنامه‌های قوه قضائیه به آن اشاره رفته و مبنای محاسبه قیمت اعیان مورد نظر در ماده ۲۹۷ می‌باشد، مبتنی بر اساس و استدلال درستی نیست. نظر ریاست قوه قضائیه در ضمن نامه شماره ۱۴۸۵/۱۶/۷۶ - ۱۶/۲/۷۶ معاونت اجرایی آن قوه به این شرح آمده است: «... دیه براساس همان قیمت زمان صدور حکم است که بر ذمه طرف استقرار یافته...»، اگرچه در این مقال درصدد بیان ماهیت دیه نیستیم، لیکن به‌طور کلی نمی‌توان ماهیت کیفری بودن دیه را از آن زایل نمود، چه به یک اعتبار دیه یکی از مجازاتها بوده و در موضوعات جزایی راجع به آن بحث شده است. مقصود از ذکر این مختصر این است که در بحث مربوط به پرداخت قیمت دیه به عنوان کیفر فعل مجرمانه جانی، می‌بایست همانند سایر مجازاتها، قانون زمان وقوع فعل مجرمانه را حاکم دانست و براساس آن مجازات را تعیین نمود به عبارت روشن‌تر لازم است براساس اصل جزایی رعایت قلمرو زمانی جرم و مجازات، قیمت دیه را بر مبنای قیمت زمان ارتکاب جنایت، محاسبه نمود و چنانچه به دیه به عنوان دین نگاه کنیم، صدور حکم در واقع بیانگر اشتغال ذمه جانی در زمان وقوع جرم می‌باشد و ابتدای اشتغال ذمه وی را باید زمان ارتکاب جنایت دانست. مع الوصف به نظر می‌رسد که قوه قضائیه ظاهراً به منظور رعایت پاره‌ای مصالح، حالت بینابین را مدنظر قرار داده است. (نه قیمت زمان وقوع جرم و نه قیمت یوم‌الاداء، بلکه قیمت زمان صدور حکم).

بنا به مراتب ذیل:

۱- امضایی بودن احکام مربوط به دیات؛ تعیین دیه از جمله احکام امضایی بوده و همچنانکه نقل شده است «قبل از اسلام میزان دیه نسبت به افراد متفاوت بوده و با توجه به شخصیت و موقعیت اجتماعی آنها تغییر می‌کرده است. در زمان عبدالمطلب برای قتلهایی که اتفاق افتاده بود صد شتر معین کرد. بعد از شتر گاو و گوسفند قرار داده شده که این دو در زمان جاهلیت جایگزین شد.»<sup>۱</sup>

۲- برابری ارزش دیات ششگانه در صدر اسلام؛ در صدر اسلام و در زمانی که دیات ششگانه مطرح بوده است، ارزش دیات موصوف یکسان و برابر بوده، به طوری که قیمت و ارزش یکصد شتر برابر با دویست گاو و یک هزار گوسفند ارزیابی می‌شده است، حال آنکه هیچ یک از دیات ششگانه در زمان حاضر ارزش مساوی ندارند<sup>۲</sup> و نمی‌توان همانند گذشته دست جانی را در انتخاب هرکدام از آنها باز گذاشت.<sup>۳</sup>

۳- عدم سازگاری «قول تخییر»<sup>۴</sup> جانی در انتخاب احد از دیات ششگانه با مقتضیات زمان، به لحاظ عدم تساوی ارزش و قیمت دیات موصوف با هم.

۱- مرعشی، آیت‌الله... سیدمحمدحسن، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۷۲، ص ۲۰۰ و نیز در تأیید این مطلب به روایات مذکور در کتاب ارزشمند وسائل‌الشیعه، جلد ۱۹، صفحات ۱۴۱، ۱۴۵ و ۱۴۸ مراجعه شود.

۲- برخلاف بیانات ریاست وقت دیوان عالی کشور در فروردین ماه سال ۱۳۷۱ که اظهار نموده بود: «... از این پس مقدار دیات باید عین یکی از موارد ششگانه تعیین شده در شرع مقدس باشد و رجوع به قیمت تنها در صورت رضایت صاحبان دیه مجاز است... در این زمان اگرچه عین درهم نقره موجود نیست، اما عین گاو، شتر و گوسفند که از جمله موارد ششگانه تعیین شده در شرع مقدس است، در حال حاضر وجود دارد. بنابراین نمی‌توان قیمت نقره برای آن تعیین کرد، بلکه باید عین یکی از موارد و یا با رضایت صاحب دیه قیمت آن پرداخت شود که در این صورت ارزش ریالی مبلغ دیه از همین امروز (چهارشنبه ۱۹ فروردین ماه) هفت میلیون تومان که تقریباً قیمت هزار گوسفند و یا یکصد شتر و یا دویست گاو است افزایش می‌یابد.» (روزنامه کیهان، پنجشنبه ۲۰ فروردین ماه سال ۱۳۷۱، ص ۱۹).

۳- به آیت‌الله... موسوی بجنوردی، سیدمحمد، «دو نکته از حقوق کیفری»، فصلنامه مطالعات حقوقی و قضایی (حق)، شماره ۱۱ و ۱۲، سال ۱۳۶۶، ص ۹۵ مراجعه شود.

۴- جهت آشنایی و اطلاع از اقوال فقهاء در این زمینه به بخش سوم کتاب «قانون دیات و مقتضیات زمان» تألیف آقایان شفیعی سروستانی، ابراهیم، رحمان ستایش محمدکاظم، غیائی جلدالدین، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چاپ اول، سال ۱۳۷۶، ص ۲۰۹ به بعد مراجعه شود.

۴- عدم تناسب ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن با نیازهای زمان حال و عدم قابلیت اجرایی آن؛ مستفاد از فتاوی ولی امر مسلمین حضرت آیت الله خامنه ای، به این مضمون که:

اولاً: درهم و دینار در جمع اعیان ششگانه به عنوان پول رایج زمان می باشند، ثانیاً: حُله به لحاظ تردیدی که در باب آن حکماً و موضوعاً وجود دارد، از جمع اعیان ششگانه خارج می شود،

ثالثاً: جانی در انتخاب احشام ثلاثه (شتر، گاو و گوسفند) یا قیمت آنها از ابتداء مخیر است. اعیان ششگانه مذکور در ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی به سه نوع (احشام ثلاثه) تقلیل یافته اند و ماده مرقوم و تبصره آن عملاً منسوخ گردیده است.

۵- ضرورت انطباق قانون با واقعیت های ملموس و محسوس زمان و لزوم هماهنگی آن با تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه.<sup>۱</sup>

۶- لزوم تسریع در احقاق حقوق افراد و کاهش تعداد مراجعات طرفین پرونده به مراجع قضایی.

۷- عدم اعتبار قانونی بخشنامه های صادره از دستگاه قضایی راجع به ملاک قرار دادن قیمت زمان صدور حکم و اختلاف نظر فقهاء در خصوص پرداخت قیمت یوم الاداء. پیشنهاد می شود که به یکی از طرق ذیل عمل شود:

۱- نسبت به اصلاح ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن براساس فتاوی

۱- در عرف جامعه ما پذیرفته نیست که شتر و گاو و گوسفند در ایفا تعهدات مالی و یا جبران خسارتها به عنوان مینا، ملاک عمل قرار گیرد. امروزه در جامعه ما نیز چون سایر جوامع، پول به عنوان مینای اصلی مبادلات و معیار تعیین قیمت اشیاء، نقش اساسی یافته و مردم در نیازهای روزمره خود از نقد رایج سود می جویند، نه کالاهایی که در گذشته و آن هم در جوامعی خاص ملاک و مینای مالیت سایر اشیاء بوده اند. در مورد درهم و دینار هم باید گفت که اگرچه آنها در گذشته خود نقد رایج به حساب می آمده اند، اما در حال حاضر چیزی با عنوان درهم و دینار آن هم با این اوصافی که در قانون آمده است، جز در موزه ها و مجموعه های تاریخی سکه یافت نمی شود و به علاوه، معقول نیست که مردم را مکلف به ادای چیزی نماییم که فراهم آوردن آن از اساس متعذر و یا غیرممکن می باشد. «(قانون دیات و مقتضیات زمان، شفیع سروستانی ابراهیم، رحمان ستایش محمدکاظم، غیاثی جلال الدین، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چاپ اول، مردادماه ۷۶، ص ۱۴۴).

رهبر معظم انقلاب اقدام شود، به این نحو که صرفاً احشام ثلاثه (شتر، گاو و گوسفند) به عنوان دیه تعیین گردند، به طوری که جانی در انتخاب یکی از احشام مزبور یا قیمت آنها مخیر باشد و در تحقق این منظور لازم است، هر سال قیمت احشام موصوف از طریق اهل خبره تعیین و تا پایان آن سال ملاک عمل قرار گرفته و در مورد جنایات واقع شده در آن سال وفق ارزش و قیمت تعیین شده، میزان دیه محاسبه شود یا قیمت زمان صدور حکم قطعی.

۲- با توجه به عدم تساوی و برابری ارزش و قیمت احشام ثلاثه، و نیز مخیر بودن جانی در انتخاب احد از آنها اصلح است گاو و گوسفند از زمره دیات مزبور خارج شوند و دیه صرفاً براساس شتر و قیمت آن در نظر گرفته شود، در این راستا نیز ضروری است در ابتدای هر سال قیمت کارشناسی شده شتر اعلام و ملاک محاسبه دیه، قیمت زمان وقوع جنایت یا زمان صدور حکم قطعی باشد.

۳- معادل ارزشی هزار مثقال شرعی طلا که برابر ۷۵۰ مثقال صیرفی و در حدود ۲۵۱۵ گرم می باشد، مبنای اخذ دیه قرار گیرد.

۴- میزان دیه صرفاً براساس ده هزار درهم (هر درهم ۱۲/۶ نخودنقره) که معادل ارزش ۳۱،۲۰۰ کیلوگرم (سی و یک کیلو و دویست گرم) نقره است در نظر گرفته شود.<sup>۱</sup>

۵- میزان دیه براساس پول رایج کشور در نظر گرفته و با توجه به شاخصی که بانک مرکزی هر ساله ارائه می دهد، درصد تورم محاسبه و در میزان دیه اعمال شود. ظاهراً در کشور عربستان<sup>۲</sup> به این نحو عمل می شود.

۱- در اوایل تشریع دیه به تصریح فقهای شیعه و اهل سنت مقادیر مساوی از حیث مالیت از اجناس مختلف با توجه به شرایط اقتصادی آن عصر به عنوان دیه تعیین می گردیده است، فلذا در عصر حاضر نیز چنانچه با عنایت به شرایط اقتصادی موجود جنسی که رواج بیشتری دارد برای تأدیه مالیت مورد نظر شارع در نظر گرفته شود به نظر بلااشکال است. (قانون دیات و مقتضیات زمان، شفیع سروسستانی ابراهیم، رحمان ستایش محمدکاظم، غیاثی جلال الدین، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، چاپ اول، مرداد ۷۶، ص ۲۰۵).

۲- مرعشی، آیتا... سیدمحمدحسن، دیدگاههای نو در حقوق کیفری اسلام، نشر میزان، چاپ اول، زمستان ۷۳، ص ۲۰۱.